

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/09/25

آیا حذف «حي علي خير العمل» از اذان کار عمر بود؟

متقي هندی در کنز العمال اعتقاد به اقدام عمر در حذف «حي علي خير العمل» از اذان دارد :

اما دسته پنجم که امروز عرض مي كنيم و آن روايتي است كه متقي هندی آن را در كنز العمال نقل مي كند مبني بر اين كه:

كان بلال ينادي بالصبح فيقول : حي علي خير العمل فأمره النبي صلى الله عليه وسلم أن يجعل مكانها الصلاة خير من النوم ، وترك حي علي خير العمل .

كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، ج 8 ، ص 162، اسم المؤلف: علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين الهندي الوفاة: 975هـ ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1419هـ-1998م، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمود عمر الدمياطي.

البته این روایت مرسله است که از نظر روایی اعتباری ندارد.

اما قصد داریم - ان شاء الله - در این جلسه کلمات بزرگان اهل سنت را در این باره بخوانیم تا ببینیم که بزرگان اینها در گذر زمان چه نگاهی به «الصلوة خير من النوم» داشته اند.

عبدالرزاق استاد بخاري در كتاب المصنف، جلد 1، صفحه 474 از ابن جريج نقل مي كند كه:

سألت عطاء متي قيل الصلاة خير من النوم قال لا أدري

از عطاء سؤال كردم اولين بار در چه زماني «الصلاة خير من النوم» گفته شد؟

المصنف، ج 1، ص 474، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني الوفاة: 211، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - 1403، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي.

ابن جريج تقريباً معاصر 150 هجري است و عطاء هم كه جزو تابعين و معاصر 90 و اندي است؛ يعني بعد از گذشت حدود 120 يا 130 سال مي پرسد: از كي الصلاة خير من النوم در اذان شروع شد؟ عطاء كه از فقهاي بزرگ اهل سنت و صاحب مكتب فقهی است، گفت: من نمي دانم.

سعد بن ابي وقاص اولين كسي كه در دوران عمر الصلاة خير من النوم گفت :

باز هم روايت ديگري در همان صفحه از كتاب خود نقل مي كند از ابن جريج كه:

قال أخبرني عمر بن حفص أن سعداً أول من قال الصلاة خير من النوم في خلافة عمر فقال بدعة ثم تركه وإن بلالاً لم يؤذن لعمر

عمر بن حفص گفت: سعد (ابن ابي وقاص) اولين كسي بود كه در زمان عمر «الصلاة خير من النوم» گفت و سپس چون آن را بدعت مي دانست آن را ترك كرد و بلال براي عمر اذان نمي گفت.

المصنف، ج 1، ص 474، اسم المؤلف: أبوبكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني الوفاة: 211، دار النشر: المكتب الإسلامي
- بيروت - 1403، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي.

سعد بن ابي وقاص اولين كسي است که در دوران عمر گفت: **الصلوة خير من النوم** و... اين روايت ها وقتي کنار هم
قرار مي گيرند خيلي مفهوم دارند و نشان مي دهد که اينها چطور با شريعت بازي کردند. عبدالرزاق باز روايت سومي
هم از ابن جريج نقل مي کند که:

قال أخبرني بن مسلم أن رجلا سأل طاووسا جالسا مع القوم فقال يا أبا عبد الرحمن متي قيل الصلاة خير من النوم
فقال طاووس أما إنها لم تقل علي عهد رسول الله صلي الله عليه وسلم ولكن بلالا سمعها في زمان أبي بكر بعد وفاة
رسول الله صلي الله عليه وسلم يقولها رجل غير مؤذن فأخذها منه فأذن بها فلم يمكث أبو بكر إلا قليلا حتي إذا كان
عمر قال لو نهينا بلالا عن هذا الذي أحدث وكأنه نسيه فأذن به الناس حتي اليوم

شخصي از طاووس که با گروهی نشسته بودند سؤال کرد: چه زمانی «الصلوة خير من النوم» گفته شد؟ طاووس
گفت: آن چه يقيني است اين است که در زمان رسول خدا صلي الله عليه و آله اين جمله گفته نمي شده است ولي
بلال آن را در زمان ابوبكر شنيد که شخصي غير مؤذن آن را مي گوید؛ لذا اين جمله را از او اخذ کرد و در اذان وارد
نمود و زمان ابوبكر چندان به طول نکشيد که عمر گفت: اگر بلال ما را نهي نکرده بود از اين چيزي که خود احداث کرد
و گویا اين را فراموش نموده است و از اين رو مردم تا به امروز به همين شکل اذان مي گویند.

المصنف، ج 1، ص 474، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني الوفاة: 211، دار النشر: المكتب الإسلامي
- بيروت - 1403، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي.

منظور از ابن مسلم حسن بن مسلم است که می گوید: مردی از طاووس پرسید: از چه زمانی **الصلوة خیر من النوم** در اذان مسلمان ها درج شد؟ طاووس گفت: - این قطعی است که - در زمان پیامبر کسی **الصلوة خیر من النوم** نگفته است. بلال در زمان ابو بکر مردی را دید که **الصلوة خیر من النوم** می گوید ولی موذن رسمی مسجد نبود. بلال هم که آن را شنید و پسندید و در اذان اضافه کرد... تا این که عمر به خلافت رسید و گفت: ای کاش می توانستیم بلال را از این کار منصرف کنیم تا دیگر **الصلوة خیر من النوم** نگوید و بعد از آن گویا عمر فراموش کرد که این را به بلال بگوید تا این که تا همین الآن مردم این گونه اذان می گویند. عبدالرزاق در المصنف، جلد 1، صفحه 475، حدیث 1832 از ابن عیینه از لیث از مجاهد - که از مفسرین بنام اهل سنت است - نقل می کند:

قال كنت مع بن عمر فسمع رجلا يثوب في المسجد فقال اخرج بنا من [عند] هذا المبتدع

می گوید: روزی با عمر بودم که شنیدم مردی در مسجد «الصلوة خیر من النوم» می گوید. او گفت: ما را از نزد این بدعتگذار بیرون ببر!

المصنف، ج 1، ص 1830، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني الوفاة: 211، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - 1403، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي - كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، ج 8، ص 167، اسم المؤلف: علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين الهندي الوفاة: 975هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1419هـ-1998م، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمود عمر الدمياطي.

با عبدالله بن عمر بودیم که وارد مسجد شدیم، عبدالله شنید که شخصی در مسجد **الصلوة خیر من النوم** می گوید، او گفت: ما را سریع از مسجد خارج کنید تا صدای این بدعت گذار را نشنوم. این مطلب را در کنز العمال، جلد 8، صفحه 357، حدیث 23250 نیز آورده است.

در برخی از منابع دیگر آمده است که این جریان در نماز ظهر و عصر بوده است یعنی روایت این طور است که «فسمع رجلاً يثوب في الظهر و العصر في المسجد»؛ لکن این کذب است چرا که اهل سنت هیچگاه نماز ظهر و عصر را با هم نمی خوانند.

شوکانی - از بزرگان اهل سنت و به ظاهر زیدی مذهب می باشد ولی تقریباً 75 درصد گرایش فقهی اش به طرف وهابیت است و الان وهابی ها کتاب های او را به طور مفصل در عربستان چاپ کرده اند - از البحر الزخار که مال حسین بن احمد بن یحیی متوفای 840 هجری است در کتاب نیل الاوطار، جلد 2، صفحه 38 نقل می کند که:

أَنَّ التَّوْبِيْبَ بِدْعَةٌ قَالَ فِي الْبَحْرِ أَحَدُهُ عُمَرُ فَقَالَ ابْنُهُ هَذِهِ بِدْعَةٌ وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ سَمِعَهُ لَا تَزِيدُوا فِي الْأَذَانِ مَا لَيْسَ مِنْهُ ثُمَّ قَالَ بَعْدَ أَنْ ذَكَرَ حَدِيثَ أَبِي مَحْذُورَةَ وَبِلَالٍ قُلْنَا لَوْ كَانَ لَمَّا أَنْكَرَهُ عَلِيٌّ وَبْنَ عُمَرَ وَطَاوُسَ سَلَّمْنَا فَأَمَرْنَا بِهِ إِشْعَارًا فِي حَالٍ لَا شَرْعًا جَمْعًا بَيْنَ الْأَثَارِ

تتویب (الصلوة خیر من النوم) بدعتی بود که در کتاب البحر الزخار گفته است آن را عمر ایجاد نمود و از علی علیه السلام روایت شده است که وقتی او شنید که این جمله را در اذان اضافه می کنند فرمود: این جمله را به اذان نیافزایید که از اذان نیست. سپس بعد از بیان روایت ابو محذوره و بلال گفت: اگر چنین چیزی در اذان وجود می داشت علی علیه السلام و فرزند عمر و طاووس یمانی آن را انکار نمی کرد. بر فرض هم که می بود برای خبر دادن و آگاه نمودن مردم بود نه به عنوان مطلبی شرعی و جمعی بین آثار.

نیل الأوطار من أحاديث سيد الأختيار شرح منتقى الأخبار، ج 2، ص 18، اسم المؤلف: محمد بن علي بن محمد الشوكاني، الوفاة: 1255، دار النشر: دار الجيل - بيروت - 1973.

اگر چنانچه حدیث بلال و ابو محذوره درست می بود معنا ندارد که علی علیه السلام و عبدالله بن عمر و طاووس یمانی آن را انکار کنند، اگر چنانچه صحت این روایات را بپذیریم برای جمع بین این روایات باید قائل شویم که این کلمه به عنوان إشعار است و از این جهت اشکالی ندارد نه این که به عنوان وجوب شرعی باشد.

الصلوة خیر من النوم از اذان نیست بلکه برای بیدار کردن مردم برای نماز است :

کحلانی در سبل السلام، جلد 1، صفحه 120 می گوید:

قلت وعلي هذا ليس الصلاة خير من النوم من ألفاظ الأذان المشروع للدعاء إلي الصلاة والإخبار بدخول وقتها بل هو من الألفاظ التي شرعت لإيقاظ النائم فهو كألفاظ التسبيح الأخير الذي اعتاده الناس في هذه الأعصار المتأخرة عوضا عن الأذان الأول وإذا عرفت هذا هان عليك ما اعتاده الفقهاء من الجدل في التثويب

بنا بر این «الصلوة خیر من النوم» از الفاظ اذان که شرعیت داشته باشد و برای خواندن مردم به نماز و آگاه نمودن مردم به دخول وقت نماز باشد نیست؛ بلکه از الفاظی است که برای بیدار نمودن شخصی که در خواب است در دین دخل شده است و این مانند الفاظی است که در تسبیح آخر اضافه شده و مردم در این دوران اخیر به گفتن آن عادت نموده اند و آن را به جای اذان اول می گویند وقتی این را دانستی حال وقت آن رسیده است که به جدال فقهاء درباره تثویب پردازیم.

سبل السلام شرح بلوغ المرام من أدلة الأحكام، ج 1، ص 120، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل الصنعاني الأمير، الوفاة: 852، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - 1379، الطبعة: الرابعة، تحقيق: محمد عبد العزيز الخولي.

با توجه به روایات و انکار امیر المؤمنین علیه السلام و عبدالله بن عمر و طاووس این طور به نظر می رسد که **الصلوة خیر من النوم** جزء اذان نیست اگر جایی احساس کردیم که کسی خوابیده است در آنجا می توانیم **الصلوة خیر من النوم** به کار ببریم و اگر خوابیده ای وجود ندارد دیگر معنا ندارد که این کلمه را به کار ببریم، پس این کلمه نیز مثل الفاظی است که در این اواخر (حدود سال 170) مردم به جای اذان اول سبحان الله یا الحمد لله می گویند. وقتی که این نکته را (که **الصلوة خیر من النوم** در صورتی است که خوابیده ای باشد نه در همه جا) فهمیدیم، روشن می شود که چرا این قدر فقهای ما اختلاف دارند که آیا این بدعت است یا نه؟

ابن عمر با مشاهده بدعت تثویب از مردم از مسجد خارج می شود :

ابن قدامه مقدسی متوفای 620 در المغنی، جلد 1، صفحه 420 از اسحاق نقل می کند که:

فقال إسحاق هذا شيء أحدثه الناس وقال أبو عيسى هذا التثويب الذي كرهه أهل العلم وهو الذي خرج منه ابن عمر من المسجد لما سمعه

اسحاق گفت: این بدعتی بود که مردم آن را ایجاد نمودند و ابو عیسی گفت: اهل علم از تثویب «الصلوة خیر من النوم» تنفر دارند. و این همان چیزی است که به خاطر آن ابن عمر از مسجد خارج شد تا آن را نشنود.

المغنی فی فقه الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی، ج 1، ص 245، اسم المؤلف: عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسی أبو محمد، الوفاة: 620، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1405، الطبعة: الأولى.

این چیزی است که مردم آن را درست کرده اند و بدعت گذاشته اند - کلمه احدث مرادف است با بدعت گذاشتن -
این همان تثویبی است که اهل علم و بزرگان آن را کراهت می دارند و این همان چیزی است که وقتی عبدالله بن
عمر آن را شنید از مسجد بیرون رفت.